مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

فضل الرحمن فاضل ۲۰۲۲/۰۳/۳۱

پیامبر اکرم ﷺ در نوروز وارد مدینه شده است یا در مهرگان و یا در هیچکدام؟

در وبسایت « اهل سنت و جماعت» که به نام "وبسایت اختصاصی اهل سنت و جماعت ایران زمین" نیز مشهور است، مقالتی تحت عنوان «شب یلدا» که نویسندهٔ آن معلوم نیست یا شاید خطبهٔ یکی از امامان مساجد باشد ؛ به نشر رسیده است. مقالهٔ یادشده دیدگاه مشخص آن وبسایت را در مورد باورهای مردم بازتاب داده و حکم تحریم روزهای خوشی و شادی شمار زیادی از مردم را با پیوند زدن آن روزها با اعیاد مذهبی، صادر کرده است و در همین جمله، جشن طبیعت و هدیه الهی یعنی نوروز را نیز حرام دانسته است. آن مقاله چنین آغاز می‌گردد:
« برگزاری مراسم شب یلدا یا چهارشنبه سوری یا نوروز یا سیزده بدر و امثال آنها حرام و گناه هست و شرکت در آنها جایز هم نیست و نبایستی دعوت دیگران را اجابت کرد در این مورد»
بعد از طرح مسأله ، با صراحت چنین می‌نویسد:

«دقت کنید من اینجا کلاً بهانه‌ها رو می‌گیرم و می‌گم به هر بهانه‌ای که باشد فرقی نمی‌کند حرام، حرام است و الی الابد تحت هیچ شرایطی و با هیچ نیتی بر مسلمانان مباح نخواهد شد.
و این حرفم رو شاید برخی فکر بکنند که من درآوردی یا تعصبی باشد بهمین دلیل به احادیث پیامبر رجوع می‌کنیم که دلیل محکمی بر ادعاهایم باشند.
پیامبر (ﷺ) هنگامی‌که در مدینه تشریف داشتند جشن نوروز را که اعراب به تقلید ایرانیان گرامی می‌داشتند نفی فرمودند.
انس بن مالک می‌گوید:
﴿قدم رسول الله (ﷺ) المدینه ولهم یومان یلعبون فیهما فقال ما هذان الیومان قالوا کنا نلعب فیهما فی الجاهلیه فقال رسول الله (ﷺ) ان الله قد ابدلکم بهماخیرا منهما یوم الاضحی ویوم الفطر.﴾
(ابوداود)+
یعنی: ﴿رسول خدا (ﷺ) پس از هجرت از مکه به مدینه تشریف آوردند و اهالی مدینه دارای دو روز بودند، روز نوروز و مهرگان یکی دیگر از اعیاد مجوسیان که در آن دو به بازی پرداخته و شادی می‌کردند.
پیامبر (ﷺ) فرمود: این دو روز چیست؟ عرض کردند ما در زمان جاهلیت در این دو روز به بازی و شادی میپرداختیم رسول خدا (ﷺ) فرمود: خداوند دو روز دیگر را به جای آن دو، برایتان قرار داده است که خیر و نیکی دنیا و آخرت در آن دو قرار دارد روز عید قـــربـــان و روز عید فـــطـــر﴾.[1]

نویسنده یا گوینده با ضرس قاطع ادعا می‌کند که پیامبر وقتی که به مدینه تشریف آوردند، و اهالی مدینه در نوروز و مهرگان بازی وشادی می کردند، بناءً در عوض «عید فطر» و «عید قربان» را جانشین آن دو روز کرد.
در اینجا برای اینکه بدانیم پیامبر اکرم ﷺ آیا وقتی که به «یثرب» - که بعدها به خاطر تشریف آوری پیامبر، «مدینه»نامیده شد- ، آمد ،آیا ورودش مصادف به نوروز بود و یا مهرگان؟.
اگرچه از سیاق حدیث معلوم می‌شود که باید دو روز پی در پی باشد، نه اینکه باهم فاصله شش ماهه داشته باشند؛ با وجود آن با مراجعه به سیرت نبوی ﷺ که مصدر مهم وقابل اعتمادی در این مورد است و قبل از اینکه کتاب‌های بخاری ، مسلم، ترمذی، موطا و مسند احمد و سایر کتاب های حدیث تدوین گردند، مسلمانان به تدوین سیرت پیامبر

[1] (https://ahlesonnat.com/%D8%B4%D8%A8-%DB%8C%D9%84%D8%AF%D8%A7
به خاطر مراعات امانت، اشتباهات املایی نویسنده، اصلاح نشده است.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

اکرم پرداختند که نگارش سیرت ابن إسحاق متوفای سال 151 هجری قمری و سیرت ابن هشام متوفای سال 213 هجری قمری، شاهدی بر این مدعا است.
با مراجعه به سیرت پیامبر اکرم و روایاتی که مورد اتفاق است در می‌یابیم که:
مشرکان مکه در «دارالندوه» به ریاست ابوالحکم (ابوجهل) عمرو بن هشام مخزومی تصمیم به قتل پیامبر می‌گیرند و پیامبر که بقای خویش را بعد از 13 دعوت سال در خطر می‌بیند و قبلاً هم نمایندگانی از یثرب به نزد او آمده با او در «عقبه»بیعت کرده بودند، ترجیح می‌دهد که به خاطر ادامهٔ دعوت رهسپار «یثرب» گردد.
پیامبر همراه با ابوبکر شب جمعه 27 صفر المظفر سال 13 بعثت برابر با 13 سپتمبر سال 622 م موافق 21 سنبله شهر مکه را ترک می‌گوید و به غار «ثور» پناه می‌برد. روز ها و شب‌های شنبه و یکشنبه یعنی 28 و 29 صفر را در غار ثور سپری می‌کند. این دو روز برابر است با 14 و 15 سپتمبر سال 622 م و 22 و 23 سنبله.
روز دوشنبه اول ماه ربیع الاول که سال اول هجری قمری آغاز می‌گردد، رو به یثرب می‌نهد؛ این تاریخ برابر است با 16 سپتمبر 622 م و 24سنبله سال اول هجری خورشیدی.
روز هشتم سفر با طی کردن مسافت تقریبا 380 کیلومتر یا روز دوشنبه هشتم ربیع الأول سال نخست هجری قمری، سال 14 بعثت، برابر با 23 سپتمبر 622 م موافق با 31 سنبله سال اول هجری شمسی، پیامبر اکرم ﷺ وارد قبا شد. و در آنجا به اعمار نخستین مسجد پرداخت. راجع به مدت ایام اقامت پیامبر در «قبا» روایات گوناگون آمده است. امام بخاری در کتابش «التاریخ الکبیر» مدت آن را 14 روز و برخی بیش از ده روز و در برخی منابع شیعی از جمله در «بحار الأنوار» علامه مجلسی 15 روز ، ذکر شده؛ اما بیشترین روایات 4 یا پنج روز را تسجیل کرده و نوشته اند که فرستاده خدا ﷺ روز جمعه 12 ربیع الأول سال اول هجری قمری، 27 سپتمبر 622 م 4 میزان سال اول هجری شمسی وارد یثرب شد که با ورود پیامبر به اسم مدینة النبی یا «شهر پیامبر» تغییر نام داد.
بناءً این رویداد به وضوح ثابت می‌کند حینی که پیامبر ﷺ به مدینه منوره آمدند، نه نوروز بود و نه هم مهرگان.
راویان نخستین حدیث بالا در هیچ کتاب حدیث، از تبدیل شدن آن دو روز به «نوروز» و «مهرگان» اشارت نکرده اند؛ به گونه ای که آقای نویسنده یا گویندهٔ مقالت «شب یلدا» با ضرس قاطع در ترجمهٔ حدیث «نوروز و مهرگان» را افزوده است. در حدیث انس بن مالک دو روز عید فطر و عید اضحی یادشده است، اما عوض کدام روزها ؟ نه پیامبر اکرم ﷺ تصریح کرده اند و نه راویان نخستین و نه هم کتاب‌های حدیث.
ما می‌دانیم که عید فطر بعد از ماه رمضان است و عید اضحی هم بعد از ادای مراسم حج یا دهم ذو الحجه. ما با شگفتی اندر می‌شویم وقتی که بدانیم روزه ماه مبارک رمضان 18 ماه بعد از ورود پیامبر ﷺ به مدینهٔ منوره فرض شده است، یعنی مسلمانان در این 18 ماه نه عید فطر داشتند و نه عید اضحی تا جانشین نوروز و مهرگان شده باشد.
برای شرح بیشتر باز هم به تاریخ این روایتگر راستین مراجعه می‌کنم.
قبلاً دانستیم که ورود پیامبر اکرم به مدینه نه با «نوروز» یعنی اول حمل مصادف بود و نه با «مهرگان» اول میزان، تا حضرت انس بن مالک - رضی الله عنه- کودک ده ساله در آن وقت، آن را شنیده باشد. بعد از سپری شدن پنج ماه و بیست و چند روز از ورود پیامبر اکرم، به مدینهٔ منوره ، موسم نوروز فرا می‌رسد؛ یعنی اول حمل سال دوم هجری خورشیدی برابر با 22 مارچ 623 م و یازدهم رمضان سال اول هجری قمری. ماه رمضان در مدینهٔ منوره، فرارسیده است ، اما مسلمانان هنوز روزه نمی‌گیرند؛ زیرا روزه بالای شان فرض نشده است و در صورتی که روزه نگیرند عید فطری هم ندارند تا آن عید فطر شان با «نوروز» برابر شود . بناءً نوروز در سال دوم هجری خورشیدی با عید تصادف نکرده است.
شش ماه دیگر انتظار می‌کشیم ؛ جشن دیگر طبیعت یا اعتدال خریفی «مهرگان» فرا می‌رسد، یعنی چهارشنبه اول میزان سال دوم هجری خورشیدی ، برابر با 24 سپتمبر 623 م و 20 ربیع الأول سال دوم هجری قمری. هنوز هم در آن تأریخ، روزه فرض نشده است ، بناءً عیدی هم نیست تا پیامبر گرامیﷺ آن عید را جانشین «مهرگان» کند.
شش ماه دیگر صبر می‌کنیم تا نوروز سال سوم هجری خورشیدی فرا برسد؛ یعنی اول حمل سال سوم هجری شمسی، 21 مارچ 624 م. این روز مصادف است با 12 رمضان سال دوم هجری قمری. مسلمانان هنوز17 یا 18 روز با عید فطر فاصله دارند و نوروز هم با عید همزمان نشده است. بلکه مؤمنان در ماه قبلی؛ یعنی در شعبان سال دوم هجری با فرمان « **يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ** » البقرة : 183، وظیفه یافتند تا روزه بگیرند واین روزه نیز بعد از ورود پیامبر اکرم ﷺ به مدینه منوره صورت گرفته است که عیدی هم در قبال دارد حتی روایتی هم وجود دارد که مسلمانان نسبت مصروفیت‌های پیامدهای غزوه «بدر» نتوانستند نماز عید را ادا کنند.
از شرح بالا ادعای نویسنده یا گوینده که پیامبر وقتی به مدینه آمد مردم نوروز و مهرگان را عید می‌گرفتند خوشی و شادی و بازی می‌کردند و پیامبر ایشان را از آن نهی کرد و دو روز عید فطر و عید قربان را جانشین نوروز و مهرگان ساخت، با ارائه تاریخ و سنوات بالا قابل تطبیق نیست و حتی فهمیده شد که در وقت ورود پیامبر برگزیده خدا ﷺ حتی بالای مسلمانان روزه و حج هم فرض نبود چه جایی که پیامد آن عید فطر و عید اضحی باشد.
حالا وقت آن رسیده است تا در مورد حدیث انس بن مالک بحث کنیم:
انس بن ملک که پدرش را قبلاً از دست داده است ، مادرش ام سلیم بنت ملحان او را به پیامبر به حیث خادم می‌سپارد. در وقت هجرت پیامبر اکرم ﷺ به مدینهٔ منوره، انس کودک ده ساله است. وبسیار بعید می‌نماید که صدها تن از

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولئ

صحابیان بزرگ و با درک بیشتر در آن رویداد استثنایی، از پیامبر این حرف مهم را در مورد دو روزی که از آن در کتاب‌های مهم حدیث نام برده نشده است ، چیزی نگفته باشند و تنها راوی یک تن از یاران پیامبر باشد که در آن وقت کودک ده ساله بوده است و از او هم در طول سال‌هایی که در مدینه بوده، کسی این حدیث را روایت نکرده باشد؛ اما بعد ها کسی به نام «حُمید الطویل» پسر أبو حُمید در سرزمین عراق، آن حدیث را روایت کرده باشد و از أبو حمید دیگران روایت کنند و این حدیث در کتاب‌های «سنن ابوداود» و « مسند امام احمد» و چند کتاب دیگر جا باز کند ؛ اما در بخاری و مسلم وکتاب‌های سیرت ابن هشام و ابن إسحاق، از آن یاد نشده باشد.

در مورد حضرت انس بن مالک می‌دانیم که یکی از أصحاب معمر پیامبر اکرم ﷺ است که بعد از 103 سال زندگی در عراق پدرود زندگی می‌گوید؛ یعنی در سال 93 هجری قمری وفات می‌کند و این کسی که از او روایت کرده است به نام « حُمید الطویل» مشهور است و سخن دقیق در مورد زندگینامهٔ او ، گفته پسرش است یعنی ابراهیم بن حُمید که گفته است: مات أبی سنة ثلاث وأربعین ومئة و قد أتت علیه خمس و سبعون سنة» "کتاب تهذیب الکمال فی أسماء الرجال [2]جلد 7 ص 365. "

یعنی پدرم در سال 143 هجری قمری وفات یافت[3] و 75 سال عمر کرده بود. حُمید الطویل در سال 68 هجری قمری تولد شده و در سال 143 هجری قمری یعنی در 75 سالگی وفات کرده است. بناء وقتی حمید الطویل تولد می‌شود، انس بن مالک 78 سال عمر دارد. و اگر نزدیک ترین سالی را که حمید الطویل از انس بن مالک شنیده باشد 18 سالگی او را بدانیم، انس بن مالک در آن وقت 96 سال عمر دارد. وما می‌دانیم که انس بن مالک با همه بزرگواری و اینکه ده سال در خدمت پیامبر اکرم ﷺ بوده است، اما در این عمر 96 سالگی دشوار است رویدادهایی که از آن بیش از نود سال سپری شده، آن را حکایت کرده باشد. باز اگر این را هم بپذزاییم که حمید الطویل را مصنفان کتاب‌های جرح و تعدیل « شخص فراموش کار» خوانده اند وحتی برخی از جمله امام ارجمند ابن حجر عسقلانی اورا «مُدَلِّس» خوانده است و برخی دیگر حتی گفته اند که او از انس بیش از 24 حدیث نشنیده است ، بلکه شماری احادیثی را که او از انس بن مالک شنیده ، پنج حدیث می‌دانند، اما احادیثی را از قتاده و ثابت الهنانی شنیده و آن احادیث را به نام اینکه از انس بن مالک شنیده ام ، به کسان دیگر روایت کرده است.

اینجانب که همین حدیث مشخص را در کتاب های ابوداود و مسند امام احمد، منتخب مسند عبد بن حمید، سنن نسائی، مسند أبو یعلی، شرح مشکل الآثار امام طحاوی، مستدرک حاکم نیشاپوری، سنن بیهقی و شرح السنة امام بغوی با دقت مطالعه کردم ، دریافتم که حمید الطویل در روایات خود با وجود کوتاهی متن، آن را به گونه‌های مختلف روایت کرده است.

این بحث تقاضا می‌کند تا به ضرس قاطع بگویم که محدثان بزرگ مثل أبو داود سلیمان بن اشعث سجستانی که این حدیث را در در کتاب خویش در شماره 1134 درج کرده است ، هرگز آن دو روز را نوروز و مهرگان نگفته و نه هم امام احمد آن را چنین شرح داده است، به همین گونه نسائی در سنن خود، امام طحاوی در شرح مشکل الآثار ، حاکم نیشاپوری در « المستدرک علی الصحیحین» وامام بغوی در «شرح السنة» و امام بیهقی هم در « السنن الکبری» .

حتی در جمله علمای متأخر و مشهور مثل ولی الدین ابوعبدالله محمد بن عبدالله خطیب تبریزی متوفای سال 741هجری قمری که کتاب مشهور مشکات المصابیح را گرد آوری و آن را در سال 737 هجری قمری تکمیل کرده است، این حدیث را در کتاب خود درج می‌کند ، اما از اینکه این دو روز مهرگان و نوروز باشد، اشارتی ندارد. بلکه شمار اندک از شارحان، سده‌ها بعد آن را ، آن‌هم به لفظ «قیل» یعنی گفته شده که این دو روز، نوروز و مهرگان است، شرح داده اند که از جمله شرف الحق محمد اشرف بن امیر عظیم آبادی متوفای سال 1329 هجری قمری در شرحی که بر سنن ابودادود به نام « عون المعبود علی سنن ابی داود» نوشته در جلد اول کتابش در ص 543 می‌نویسد:

(قَدِمَ رسول الله -صَلَّى اللَّهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ- الْمَدِينَةَ،) ای من مکة بعد الهجرة (وَلَهُمْ) ای لأهل المدینة (يوْمَانِ) وهما یوم النیروز و یوم المهرجان، کذا قال الشراح.

یعنی فرستاده خدا صلی الله علیه وسلم به مدینه آمدند یعنی از مکه بعد از هجرت و برای آنان یعنی برای اهل مدینه دو روز بود که آن روزها نوروز و مهرگان است، این چنین گفتند شارحان حدیث.

شرف الحق عظیم آبادی از نام های آن «شُرّاح» هم یادی نمی کند وآن دو روز را که به صیغه نکره (مقابل معرفه) ذکر شده، نوروز و مهرگان تعبیر می‌کند.

اما دانشمندان دقیقه نگر و نکته سنجی هم بوده اند که به گونهٔ غیر مستقیم به این ادعا تاخته اند .

---

[2]) تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، اثر جمال الدین ابوالحجاج یوسف المزی (654-742 ق) جلد هفتم، شماره 1525 ص 355 ناشر: موسسه الرسالة، چاپ دوم ، بیروت 1985م

[3]) حرف‌های جالب دیگر در مورد حمید الطویل این است که اگرچه طویل بلند قامت معنی می‌دهد ، اما اوبلند قامت نبود، بلکه در همسایگی اش شخص کوتاه قدی به نام « حمید القصیر» زندگی می‌کرد، بناءً او را به نام حمید الطویل یاد کرده اند ، اما دستانش دراز بودند. و نکته جالب دیگر اینکه در حال اقامه نماز وایستاده وفات کرده است . در مورد نام پدرش روایات گوناگونی آمده است ، اما دقیق این است که در سال 44 هجری قمری در کابل اسیر شده است ونام مشهورش مهران بوده و او را به نام‌های دیگری چون تیر، تیرویه، زاذویه، داور، طرخان، مهران، عبدالرحمن و مخلد نیز یادکرده اند.برای شرح بیشتر کتاب «تهذیب التهذیب» از ابن حجر عسقلانی جزء سوم صفحات 38،39 و 40 دیده شود.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولئ

امام صنعانی متوفای سال 1182 هـ ق در کتابش « سُبُل السلام شرح بلوغ المرام» بعد از درج حدیث می‌نگارد : «الحديث يدل على أنه قال صلى الله عليه وسلم ذلک عُقَيب قدومه المدينة كما تقتضيه الفاء.»[4] سیاق حدیث دلالت دارد که فرستاده خدا صلی الله علیه وسلم آن را در نخستین روزهای ورودش به مدینه گفته باشد و حرف «ف» در «فقال» نیز به این نزدیکی و پیوستگی دلالت دارد. اما صنعانی سپس از وجوب نماز عید در سال دوم هجری یاد می‌کند و آن حدیث را مطابق واقع نمی‌داند.

محدث بزرگ نیم قارهٔ هند شخصیت نام آشنا در أفغانستان و منطقه شیخ عبدالحق محدث دهلوی که شرحی به زبان فارسی بر کتاب مشکات المصابیح نوشته است. حدیث بالا را چنین ترجمه می‌کند:

«قدوم آورد آن حضرت مدینه را و هجرت کرد بسوی وی و حال آنکه مر اهل مدینه را دو روز بود که بازی می‌کردند در آن دو روز، معلوم نشد که آن کدام دو روز بود. بعض گفته که این دو روز نیروز و مهرجان بود و استبعاد کرده شده است این قول، به آنکه نیروز و مهرجان از عادات فرس و خصائص ایشان است، والله أعلم.» ص 298 جلد اول اشعة اللمعات چاپ سال 1277 هجری قمری، بمبئی هند.

همین محدث عبدالحق دهلوی (958 – 1052هـ ق) آنگاه که کتاب مشهورش به زبان عربی را تحت عنوان «لمعات التنقیح فی شرح مشکات المصابیح» می‌نگارد در شرح حدیث یادشده از نوروز و مهرگان یادی نمی‌کند ، زیرا او بعید می‌داند که نوروز و مهرگان یا جشن اعتدال ربیعی و خریفی که در بلخ و اطراف خراسان آن زمان رواج داشته، در مدینه منوره نیز مورد توجه ساکنان آن باشد .

اما در حدیث دیگری از زبان پیامبر اکرم ﷺ صراحتا از عیدی به نام « سباسب» یادآوری شده است که خداوند آن را به روز عید دیگری به مسلمانان تبدیل کرده است.

امام مجدالدین أبو السعادت مبارک بن محمد الجزری مشهور به ابن اثیر (544- 606 ق) در کتاب مشهورش « النهاية فی غريب الحديث و الأثر» در جلد دوم ص 334 می‌نگارد: أبدلكم الله بيوم السباسب يوم العيد. در شرح آن می‌آورد: يوم السباسب عيد للنصارى و يسمونه السعانين.

وقتی که پیامبر اکرم ﷺ به مدینه منوره هجرت کردند در پهلوی اوس و خزرج و سایر قبایل عربی، قبایل یهودی نیز زندگی می‌کردند و شماری از نصرانیان هم بودند و احتمال می‌رود که آن دو روزی که در حدیث انس بن مالک آمده، روزهای عید یهودیان و مسیحیان باشد که یکی از آن همین « یوم السباسب» است که تا همین اکنون در روزگار ما هم ، مسیحیان آن را جشن می‌گیرند و خوشی و شادمانی می کنند . این روز مصادف به همان روزی است که در روایات تاریخی آمده است که حضرت عیسی علیه السلام بر خلاف پادشاهان که بر اسپ سوار می‌شدند بر الاغی به‌نام « یعفور» سوار بود که اهالی اورشلیم یا بیت المقدس اورا با شاخه‌های درخت خرما، استقبال کردند. این سنت تاکنون هم در میان مسیحیان خاورمیانه باقی است و « سبسب» شاخه درخت خرما را می‌گویند که اروپاییان از آن روز به نام Palm Sunday یکشنبه خرما تجلیل و بزرگداشت به عمل می‌آورند و به نام عید السعانین و عید الشعانین و عید نخل نیز در میان مسیحیان جهان عرب مشهور است و همان یکشنبه ای است که قبل از عید «فَصح» یا عید «فِصح» «Easter» می آیدو چون أساس آن ماه قمری است بناءً زمان آن میان 22 مارچ تا 25 اپریل (از 2 حمل تا 5 ثور) در تغییر می‌باشد و در برخی سال ها با عید پسح یهودیان نیز همزمان می‌گردد و آن اولین یکشبه بعد از بدر شدن یا کامل شدن ماهی است که بعد از اعتدال بهاری باشد که بعد از آن عید پاک یا گود فرایدی می‌آید. واین مناسبت « Palm Sunday» در سال جاری 2022 م برابر است با 10 اپریل 2022 م .

حدیث بالا یعنی «أبدلكم الله بيوم السباسب يوم العيد» را همچنان ابوموسی محمد بن ابوبکر ابوعیسای اصفهانی متوفای سال 581 هجری قمری، در کتابش « المجموع المغيث فی غريبی القرآن والحديث» یعنی تقریبا پنج قرن قبل از ملا علی قاری هروی و هشت قرن قبل از شرف الحق عظیم آبادی درج کرده و علامه محمد باقر مجلسی هم در ص 140 جلد 18 کتاب حجیمش «بحار الأنوار» آن را آورده است و افزون بر آن مرتضای زبیدی (1732- 1790 م) در فرهنگ با اعتبارش « تاج العروس» حین شرح واژه «سبسب» به گونه شاهد چنین آورده است که : وفی الحديث: «أبدلكم الله بيوم الساسب يوم العيد» و قبل از وی ابن المنظور (630-711 هـ ق) نیز در صفحهٔ 1921 کتابش « لسان العرب» آن را درج کرده است.

شاید به ذهن خوانندهٔ ارجمند خطور کند که وجود یهودیان در مدینه منوره مشهود و مشهور بود؛ اما از حضور نصاری یا مسیحیان در آن دیار کمتر شنیده شده است و علت آن هم این بود که مسیحیان در اقلیت بودند و با قبایل عربی ساکن در یثرب و بعدها با مسلمانان کدام دشمنی و یا جنگ و جدالی نداشتند، اما حضورشان ملموس بود که حسان بن ثابت شاعر صدر اسلام وشاعر پیامبر در مرثیه اش بعد از وفات رسول اکرم ﷺ گفته است :

ما بال عينی لا تنام كأنما
كحلت مآقيها بكحل الأرمد
أ أقيم بعدک بالمدينة بينهم
يا لهف نفسی ليتنی لم أولد
بأبی و أمی من شهدت وفاته

[4]) سبل السلام شرح بلوغ المرام، حدیث 466 ص 215

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

فی یوم الأثنین النبی المهتدی
نوراً أضاء علی البریة کلها
من یهد للنور المبارک یهتد
تا اینکه می گوید:
فرحت نصاری یثرب ویهودها
لما توارى فی الضریح الملَحد[5]

نتیجه:

خلاصه ونتیجه بحث اینکه آن دو روزی که در حدیث حضرت انس بن مالک تذکر رفته و در کتاب‌های مشهور حدیث درج گردیده است، محدثان بزرگ در قرون نخستین ، هیچ گاه آن دو روز را به « نوروز» و « مهرگان» تفسیر نکرده اند و حدیث دیگری با صراحت از تبدیل«یوم الساسب» به روز عید یادآور می‌شود که این صراحت در نوروز و مهرگان نیست. قرن ها بعد برخی شارحان حدیث، آن را به نوروز و مهرگان که هر دو عید مذهبی نیست، بلکه جشن فطرت و طبیعت است ، تعمیم داده اند. و با در نظر داشت تأریخ ورود پیامبر اکرم ﷺ به مدینهٔمنوره نیز دریافتیم که ورود جناب شان نه مقارن «نوروز» بود و نه هم «مهرگان» و حتی در هژده ماه نخست ورود پیامبر گرامی به مدینهٔ منوره، روزه هم بر مؤمنان، فرض نشده بود تا پیامد آن عیدی باشد.
البته در این بحث راجع به متن و سند حدیث و تفاوت‌های متن در کتاب‌های متعدد حدیث، پرداخته نشده است که برای جلوگیری از اطاله کلام، آن را به فرصت دیگر باید موکول کرد.

***

شماری از منابع:

1- نشانی سایت: اهل سنت و جماعت https://ahlesonnat.com/%D8%B4%D8%A8-%DB%8C%D9%84%D8%AF%D8%A7
2- گزیدهٔاشعار حسان بن ثابت با ترجمه و شرح به زبان اردو https://books.kitabosunnat.com/Books_Data/6079/Madah-e-Rasool%20(%20S.A.W.W%20).pdf
3- النهایة فی غریب الحدیث و الأثر ، مبارک بن محمد بن عبدالواحد شیبانی معروف به ابن الجزری جلد دوم ص 334، ناشر: المکتبة الاسلامیة، 1963م
4- أشعة اللمعات شرح مشکاة المصابیح، ص 298 جلد اول، چاپ سنگی ، کارخانه (مطبعه) محمدی، 1277 هجری قمری، بمبئی -هند
5- تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، اثر جمال الدین ابوالحجاج یوسف المزی (654-742 ق) جلد هفتم، شماره 1525 ص 355 ناشر: مؤسسه الرسالة، چاپ دوم ، بیروت 1985م
6- سبل السلام شرح بلوغ المرام، حدیث 466 ص 215، ناشر: مکتبة المعارف للنشر و التوزیع، ریاض،2006م
7- «تهذیب التهذیب» از ابن حجر عسقلانی، جزء سوم صفحات 38،39 و40، دارالکتاب الاسلامی، القاهرة (بی تا)
8- السیرة النبویة لابن اسحاق، دارالکتب العلمیة، بیروت، لبنان،2004م
9- السیرة النبویة لابن هشام، دارالکتب العربی، بیروت، لبنان،1990م
10- سنن أبی داود، تحقیق : شعیب الأرنؤوط، الجزء الثانی، دارالرسالة العلمیة،2009م
11- التأریخ الکبیر، شیخ السلام ابوعبدالله اسماعیل بن ابراهیم البخاری، ناشر: دائرة المعارف العثمانیة، چاپ آفسیت دارالکتب العلمیة ، بیروت لبنان، 1986م
12- لمعات التنقیح فی شرح مشکاة المصابیح، محدث عبدالحق الدهلوی،، ج3، ناشر: دارالنور، دمشق 2014م
13- بحار الأنوار الجامعة لدرر الأئمة الأطهار، محمد باقر المجلسی، جزء 18، ناشر: دار إحیاء التراث العربی، بیروت ، لبنان (بی تا)
14- عون المعبود عی سنن أبی داود، از ابوعبدالرحمن شرف الحق الشهیر بمحمد اشرف بن امیر العظیم آبادی، ناشر بیت الأفکار الدولیة، کتاب الصلاة ص 543، (بی تا)
15- الرحیق المختوم، صفی الرحمن المبارکفوری، ناشر : دارالوفاء، چاپ 21، جمهوریة مصر العربیة،2010م

[5]) گزیدهءاشعارحسان بن ثابت با ترجمه و شرح به زبان اردو https://books.kitabosunnat.com/Books_Data/6079/Madah-e-Rasool%20(%20S.A.W.W%20).pdf

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ